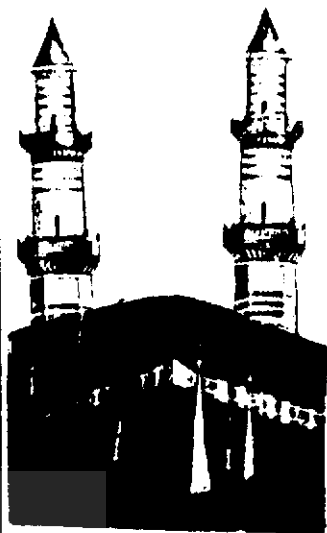


# ابعاد سیاسی و اجتماعی حج

۲

جعفر سبحانی



در بخش نخست این مقال، دانستیم که حج عبادت  
و پرستش حق است در بهترین و زیباترین صورت  
ممکن

حج خضوع در برابر خدای با عظمت است، در  
بهترین شکل.

حج نضرع و زاری به درگاه حق است در عمیق ترین  
نوع آن

و این عبادت همانطور که بُعد عبادی دارد، دارای  
ابعاد سیاسی و اجتماعی فراوان دیگری نیز هست که  
به برخی از آنان اشاره شده

اینک دنبالهٔ مطلب:

#### ۴ - قصیده سیاسی فرزدق در مسجد الحرام

روزی در یکی از مراسم حج که هشام فرزند عبدالملک حضور داشت و طواف خانه با ازدحام عجیبی رو برو بود، هشام چندین بارخواست حجرالاسود را استلام کند. اما موج جمعیت به او مجال نداد و هشام به ناچار گوشه‌ای نشست و به تماشا پرداخت ناگهان چشمش به مردی لاغر اندام، خوش سیمای و نورانی افتاد که آهسته آهسته به سوی «حجراسود» گام بر می دارد و همه مردم از او احترام می کنند و بی اختیار عقب می روند که او حجر را استلام کند مردم شام که دور فرزند عبدالملک بودند از او پرسیدند این مرد کیست؟ هشام در حالی که او را به خوبی می شناخت از معرفی امام خودداری کرد و به دروغ گفت: نمی شناسم.

در این موقع شاعری به نام «فرزدق» که از حریت و آزادی خاصی برخوردار بود، بی درنگ اشعاری چند سرود و امام سجاد را به خوبی معرفی کرد، پاره‌ای از ابیات شعر آتشین فرزدق چنین است:

هذا الذی تعرف البطحاء وطأته      والسبیت يعرفه والحل والحرم  
هذا ابن خیر عبادالله کلهم      هذا التقی النقی الطاهر العلم  
هذا ابن فاطمة ان کنت جاهله      بجده انبیاء الله قد ختم  
یکاد یمسکه عرفان راحته      رکن الحطیم اذا ما جاء یتلم  
«این کسی است که خاک بطحاء جای پای او را می شناسد  
و کعبه و حرم و خارج آن به خوبی با او آشنا است».

«این فرزند بهترین بندگان خدا است او است پرهیزگار و پیراسته

(۱) الاغانی، ج ۲۱ ص ۳۷۷ - ۳۷۶ مناقب ابن شهر آشوب ج ۴، ص ۱۶۹ - و قصیده یاد شده فرزدق در بسیاری از کتابهای تاریخی و ادبی آمده است شک و تردید در صحت این اشعار یک نوع مخالفت با اخبار متواتر است.

و پاک و شناخته شده».

«اگر او را نمی شناسی، فرزند فاطمه دخت پیامبر گرامی است پیامبری که باب نبوت به وسیله او برای همیشه ختم شده است».

«نزدیک است که «حجراسود»، هنگامی که او آن را استلام کند، دیگر آن دست آشناراراهانسازد».

اشعار فرزدق آن چنان مؤثر واقع افتاد که هشام را خشمگین کرد، فوراً دستور توقیف او صادر شد و امام پس از آگاهی از تعهد او، از وی دلجوئی کرد.

#### ۵- ابعاد اجتماعی و سیاسی حج در احادیث اسلامی

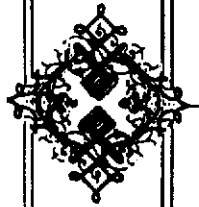
تا اینجا به گونه ای از آیات و شیوه کار پیامبر روشن گشت که حج در حالی که یک عمل عبادی است، ولی ابعاد سیاسی بارزی دارد که خود رسول گرامی گاهی بدان عینیت می بخشید و در احادیث و کلمات پیامبر به این ابعاد نیز اشاره شده است که برخی را می آوریم:

۱ از رسول گرامی سخنانی به این ترتیب در کتاب «التاج الجامع للاصول» ج ۲ ص ۹۹-۹۸ نقل شده است.

- ۱- بهترین جهاد حجی است که پذیرفته شده باشد<sup>۱</sup>.
- ۲- حج و عمره مفرده، جهاد همگانی است و در آن زن و مرد و ناتوان و توانا شرکت می کنند<sup>۲</sup>.
- ۳- آیا برای زن جهادی است؟ بله برای زنان جهادی است که در

(۱) افضل الجهاد حج مبرور.

(۲) جهاد الكبير والصغير والضعيف والمرأة، الحج والعمرة.



آن جنگ مطرح نیست و آن شرکت در مراسم حج است.<sup>۱</sup>  
۴ - گروه برگزیده نزد خدا سه طایفه اند: جهاد گر، و زائر خانه خدا برای حج و یا برای عمره.<sup>۲</sup>

در این احادیث «حج»، «جهاد» همگانی و یا جهاد زن معرفی شده است و در حدیث آخر، جهاد گر با زائر خانه خدا به عنوان گروه برگزیده معرفی شده اند که خدا آنها را دعوت کرده است.

اگر در این روایات، حج، جهاد خوانده شده است طبعاً باید میان این دو، یکنوع نشانه و هم‌رنگی وجود داشته باشد تا بتوان نام «جهاد» بردیگری اطلاق کرد و یکی از علل نام گذاری حج به جهاد این است که:

حج بسان جهاد است در آثار و اهداف، و این فریضه الهی در عین عبادت، تلاش خاصی در موضع معینی است و نقشه های جهاد عملی و وسائل ارتباط و نحوه همکاری مسلمانان با یکدیگر در همین موسم طرح ریزی می شود.

۶ - سخنان سیاسی پیامبر (ص) در مراسم حج

اجتماع عظیم و با شکوهی در مسجد الحرام، گردخانه خدا پدید آمده بود، مسلمان و مشرک، دوست و دشمن در کنار هم قرار داشتند و هاله ای از عظمت اسلام و بزرگواری پیامبر، محوطه مسجد را فرا گرفته بود.

در این هنگام پیامبر گرامی داد سخن سرداد، و سیمای واقعی دعوت خود را که تقریباً بیست سال از آغاز آن می گذشت، برای مردم

(۱) مع علیهن جهاد لا قتال فیہ، الحج و العمرة.

(۲) وفدالله ثلاثة: الغازی والحاج والمعتمر.

ترسیم کرد فرزانهائی از آن گفتار تاریخی را در ذیل مطالعه می کنیم.

الف: ای مردم. خداوند در پرتو اسلام افتخارات دوران جاهلیت و مباهات به وسیله انساب را از میان شما برداشت همگی از آدم به وجود آمده اید، و او نیز از گل آفریده شده است بهترین مردم کسی است که از گناه و نافرمانی چشم پبوشد.<sup>۱</sup>

ب: مردم، عرب بودن جزء ذات شما نیست، بلکه آن تنها زبانی گویا است و هرکس در انجام وظیفه خود کوتاهی کند افتخارات پدری، او را به جاثی نمی رساند و کمبود کار او را جبران نمی کند.<sup>۲</sup>

ج: همه مردم در روزگار گذشته و حال، مانند دندانهای شانه مساوی و برابرند، و عرب برعجم، و سرخ برسیاه برتری ندارند ملاک فضیلت، تقوا و پرهیزگاری است.<sup>۳</sup>

د: من تمام دعاوی مربوط به جان و مال و همه افتخارات موهوم دوران گذشته را زیر پای خود نهاده، و تمام آنها را بی اساس اعلام می نمایم.<sup>۴</sup>

ه: مسلمان برادر مسلمان است و همه مسلمانان برادر یکدیگرند و در برابر اجانب حکم یک دست را دارند خون هر یک با دیگری برابر است، کوچکترین آنها از طرف مسلمانان می تواند تعهد نماید.<sup>۵</sup>

و: پس از این آئین عقبگرد نکنید که برخی برخی دیگر را

(۱) ایها الناس ان الله قد اذهب عنکم نخوة الجاهلیة و تفاخرها بابانها الا انکم من آدم و آدم من طین الا ان خیر عباد الله عبدانقاه.

(۲) الا ان العربیة لیست ب «اب» والد ولكنها لسان ناطق فمن فصر عمله لم یبلغ به حبه.

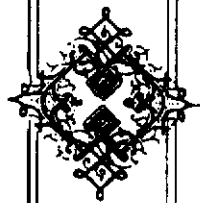
(۳) ان الناس من عهد آدم الی یومنا هذا مثل اسنان المشط لافضل للعربی علی العجمی ولا

للاحمر علی الاسود الا بالتقوی.

(۴) الا ان کل مال و مأثرة و دم فی الجاهلیة تحت قدمی هاتین.

(۵) المسلم اخ المسلم و المسلمون اخوة، وهم ید واحد علی من سواهم، تتکافؤ دمائهم یسعی

بذمتهم ادناهم.



گمراه کرده و مالک یکدیگر بشوید.<sup>۱</sup>

ز: خونهای شما و اموال شما برای شما حرام است و محترم مانند احترام امروز و این ماه و این بلد.<sup>۲</sup>

ح: خونهایی که در جاهلیت ریخته شده است همگی بدون اثر اعلام می شود و نخستین خونی را که بی اثر اعلام می کنم خون ربیعه فرزند حارث است.<sup>۳</sup>

ط: هر مسلمانی برادر مسلمان یکدیگر است و مسلمانان برادرند چیزی از مال او بردیگری حلال نمی شود مگر اینکه با طیب خاطر آن را ببخشد.<sup>۴</sup>

ی: سه چیز است که قلب مرد مؤمن بر آن خیانت نمی کند:

۱- اخلاص عمل برای خدا.

۲- خیرخواهی به پیشوایان حق.

۳- ملازمت به اجتماع مؤمنان.<sup>۵</sup>

## ۷- شعارهای سیاسی در فتح مکه

مسلمانان هنگام فتح مکه در برابر دیدگان حیرت زده مشرکان مأمور شدند که در ضمن انجام فریضه حج دعای یادشده در زیر را که

(۱) لا ترجعوا بعدی کفاراً مضلین بملک بعضکم رقاب بعض.

(۲) ان دمانکم و اموالکم علیکم حرام کحرمة یومکم هذا فی شهرکم هذا، فی بلدکم هذا.

(۳) ودماء الجاهلیة موضوع واول دم اضعه دم ربیعة بن الحارث.

(۴) ان کل مسلم اخ المسلم وان المسلمین اخوة، فلا یحل لامری من اخیه الا ما اعطاه عن

طیب نفسه منه.

(۵) ثلاث لا یتخیل علیهن قلب امرئ مسلم، اخلاص العمل لله والنصح لائمة الحق واللزوم

لجماعة المؤمنین. مدارک ما در نقل این فرازا: «روضة الکافی ص ۲۴۶» سیره ابن هشام ج ۲

ص ۱۲۲ و مغازی و اقدی ج ۲ ص ۸۳۶، بحار الانوار ج ۲۱ ص ۱۰۵، شرح ابن ابی الحدید ج ۷ ص ۲۸۱.

سراسر شعار توحید و حماسی است سردهند و همگی بگویند:  
«لا اله الا الله وحده لا شريك له وله الملك وله الحمد يحيى ويميت  
وهو على كل شيء قدير».

«لا اله الا الله وحده وحده انجز وعده، ونصر عبده وهزم  
الاحزاب وحده».<sup>۱</sup>

نیست خدائی جز او برای او شریکی نیست، حکومت از آن  
اوست.

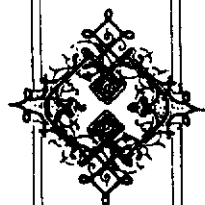
و ستایش به او اختصاص دارد زنده می کند و می میراند او بر همه  
چیز توانا است.

نیست خدائی جز او تنهای تنها است وعده خود را به پایان  
رسانیده، بنده خود را کمک کرده، و تنهایی، قدرتهای بهم پیوسته  
شرک را در هم شکست.

#### ۸- اشارات و تلویحات

رسول گرامی در تعیین بعد سیاسی حج به این مقدار از بیان  
اکتفاء نکرده گاهی بطور اشاره و تلویح می رساند که جزئی ترین از  
اعمال حج از بعد سیاسی دور نیست تا آنجا که در سعی میان صفا  
و مروه در نقطه خاصی به مشی و راه رفتن خود سرعت بخشید تا از این  
طریق شایعه مشرکان را که مهاجران و یاران پیامبر در اثر بدی آب  
وهوای مدینه، ضعیف و ناتوان شده اند، تکذیب کند، از این جهت در  
«عمره قضا» هم در سعی وهم در طواف دستور داد تا به سرعت و  
بحالت دویدن طواف سعی کنند تا قدرت و قوت خود را به مشرکان

(۱) به کتابهای حج صحیح بخاری، مسلم و غیره مراجعه شود.



ارائه کنند<sup>۱</sup>.

رسول گرامی در نماز طواف در رکعت نخست، سوره توحید و در رکعت دوم سوره کافرون را تلاوت کرد همگی آگاهیم که مفاهیم این دو سوره چه ابعدی را در بردارد و چگونه هر نوع اندیشه غیر توحیدی و یا پیوستن به یکی از اردوگاه‌های کفر را رد و منع می‌کند.

در تاریخ است که مسلمانان هنگام استلام حجر چنین می‌گفتند:

بسم الله والله اكبر على ما هدانا لاله الا الله لا شريك له آمنت بالله وكفرت بالطاغوت<sup>۲</sup>.

#### ۹- ابعاد سیاسی حج در سخنان پیشوایان معصوم (ع)

۱- امام صادق (ع) پیرامون فلسفه حج و اسرار تشریح آن، چنین می‌فرماید: «فجعل فيه الاجتماع من المشرق والى المغرب ليتعارفوا و لتعرف آثار رسول الله (ص) و تعرف اخباره و يذكر ولا تنسى ولو كان كل قوم انما يتكلمون على بلادهم وما فيها هلکوا و خربت البلاد و سقط الجلب و الارباح و عميت الاخبار ولم يقفوا على ذلك فذلك علة الحج»<sup>۳</sup>.

در سرزمین مکه اجتماعی از شرق و غرب پدید آورد تا همدیگر را بشناسند و آثار رسول الله (احادیث و اخبار) شناخته شود و فراموش نشود و اگر هر گروهی به آنچه که در سرزمینهای خود جریان دارد تکیه می‌کرد نابود می‌شد و بلاد روی به ویرانی می‌گذاشت و امر تجارت و بازرگانی به تباهی می‌گرایید اخبار و گزارشات به دست افراد نمی‌رسید این است فلسفه حج.

(۱) جامع الاصول، ج ۴ ص کتاب حج.

(۲) تاریخ مکه ج ۱ ص ۳۳۹- نگارش ابی الولید ازرقی.

(۳) بحار الانوار ج ۹ ص ۳۳ نقل از علل الشرایع صدوق.



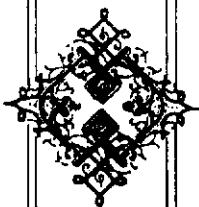
این جمله می‌رساند که حج دارای ابعاد علمی، اقتصادی و سیاسی است و در حقیقت موسم حج حلقه اتصالی است میان مسلمانان جهان که از این طریق به تبادل اخبار و اوضاع جاری جهان، و کسب آگاهی از آثار و سنت‌های رسول خدا که از طریق صحابه و تابعان و محدثان در شرق و غرب عالم پخش شده، پردازند و در ضمن هر گروهی متاع بلاد خود را در آنجا عرضه کرده و راه بازرگانی و نحوه مبادله کالاها شناخته شود.

۲ - و باز امام صادق (ع) می‌فرماید: «ما من بقعة احب الی الله من المسعی لانه یدل فیہ کل جبار»<sup>۱</sup>.

هیچ نقطه‌ای از جهان برای خدا محبوب‌تر از محل سعی بین صفا و مروه نیست زیرا در این نقطه همه گردنکشان خوار و ذلیل می‌شوند و عبودیت و بندگی خود را به نمایش می‌گذارند.

۳ - تاریخ به روشنی گزارش می‌دهد که سلف صالح از صحابه و تابعان از این موسم به نفع اسلام و مسلمانان بهره گرفته و نطفه بسیاری از حرکتها و جنبشهای آزادی بخش در این موسم بسته می‌شد و ملت‌ها را بر پرخاشگری و ستیزه جوئی با حکام ظالم دعوت می‌کردند در این مورد کافی است به سخنان حسین بن علی علیهما السلام در روز منی گوش فرادهم او در موسم حج، فرزندان هاشم و شخصیت‌های بزرگ و زنان و علاقمندان آنان و حتی گروهی از انصار را که به وی علاقه داشتند در سرزمین منی گرد آورد بگونه‌ای که یک جمعیت متجاوز از هزار نفر پای سخنرانی او حاضر شدند در این موقع فرزند پیامبر در حالی که صحابه و

(۱) بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۴۹.



فرزندانشان سراپا گوش بودند سخنان خود را چنین آغاز کرد:

«اما بعد فان هذا الطاغية قد صنع بنا ما قد علمتم و رأيتم و شهدتم و بلغكم و انى اريد ان اسألکم عن اشیاء فان صدقت فصدقونی وان کذبت فکذبونی اسمعوا مقالتي و اکتبوا قولی ثم ارجعوا الی امصارکم و قبائلکم من امنتموه و وثقتم به فادعوهم الی ما تعلمون فانی اخاف ان یندرس هذا الحق و یذهب والله متم نوره ولو کره الکافرین...»<sup>۱</sup>.

پس از ستایش خدا و درود بر پیامبر او، ای مردم بدانید که این طغیانگر (معاویه) همانطور که می دانید و دیده اید و به شما رسیده است چه کارهای بدی درباره ما انجام داد من از شما اموری را سؤال می کنم اگر راست می گویم مرا تصدیق کنید و اگر دروغ می گویم سخن مرا تکذیب کنید هم اکنون سخن مرا بشنوید و آن را در دل پنهان دارید سپس به بلاد و اوطان و میان قبائل خود بازگردید هر فردی که او را امین می شمارید و به او اعتماد دارید او را به آنچه که می دانید (وظیفه شرعی) دعوت کنید من می ترسم که آئین حق فرسوده گردد و محو شود هر چند خدا پایان رسان نور خود است اگر چه کافران آن را بد شمارند.

آنگاه حسین علیه السلام بخشی از آیاتی را که در حق خاندان پیامبر فرود آمده است تلاوت کرد و به مردم سوگند داد که در بازگشت به بلاد خود سخنان او را به آن گروه از مردم که اعتماد دارند برسانند سپس از کرسی خطابه پائین آمد و مردم متفرق شدند.

\* \* \*

این تنها حسین بن علی (ع) نیست که از این اجتماع عظیم بهره برداری

(۱) کتاب سلیم بن قیس التابعی الکوفی الهلالی ص ۱۸.

کرده حتی برخی از اهل کتاب که تحت حمایت حکومت اسلامی می زیستند، گاهی که مورد تعدی قرار می گرفتند در چنین مراسم دادخواهی کرده و حق خود را از حاکم اسلامی می طلبیدند و این گواه بر وجود چنین سنت می باشد.

تاریخ می گوید: یکی از قبطیان در دوران حکومت عمرو عاص در مصر با فرزند حاکم به مسابقه پرداخت و در مسابقه پیشی گرفت پیروزی یک فرد قبطی بر فرزند حاکم بر عمرو عاص و فرزندش گران آمد و سرانجام به وسیله فرزند عمرو مضروب شد.

قبطی در موسم حج جریان را به حاکم وقت (عمر بن خطاب) رسانید و مظلومیت خود را تشریح کرد عمر فرزند عاص را طلبید و جمله معروفی در این مورد گفت: *متی استعبدتم الناس وقد ولدتهم امهاتم احراراً*<sup>۱</sup>.

از کی مردم را برده خود قرار داده اید در حالی که آنان آزاد از مادر زائیده شده اند.

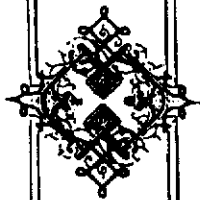
آنگاه قصاص فرد مضروب را از ضارب گرفت.

تاریخ از این حوادث زیاد نقل کرده، که گواه بر این است که این موسم تنها موسم عبادت و پرستش منهای دیگر ابعاد نیست جایی که حج مرکز طرح شکایت است، چرا جای طرح شکایت از دست استعمارگران شرق و غرب نباشد.

### ۱۰. سخنان متفکران معاصر پیرامون فلسفه حج

اکنون جای دارد این بحث خود را با نقل کلماتی از گروهی از

(۱) العبادة فی الاسلام نکارش دکتر قرضاوی. ص ۲۹۴



محققان اسلام پیرامون فریضه حج به پایان برسانیم ما در اینجابه نقل سه گفتار از سه نویسنده معاصر بسنده می کنیم و یکی از آنان مستشار در دانشگاه عبدالعزیز در «سعودی» است اینک فرازهایی از سخنان آنان:

الف: «فرید وجدی در دائرة المعارف اسلامی در ماده حج چنین می نویسد: فلسفه تشریح حج بر مسلمانان چیزی نیست که بتوان در این کتاب بیان کرد آنچه که اکنون به ذهن خطور می کند این است که اگر سران حکومت‌های اسلامی از این مراسم در ایجاد وحدت اسلامی میان ملت‌های مسلمان بهره بگیرند کاملاً به نتیجه می رسند زیرا گرد آمدن ده‌ها هزار نفر از نقاط مختلف جهان و در یک نقطه واحد وتوجه دلها و قلب‌های آنان به چیزی که در این نقطه به آنان القاء می شود سبب می گردد که یک پارچه از آنچه که گفته می شود متأثر گردند وهمگی یک روح و یک دل به اوطان خود بازگردند و آنچه را که شنیده‌اند و آموخته‌اند میان برادران خود تبلیغ کنند مثل این گروه، مثل اعضای یک کنگره بزرگی است که از همه نقاط عالم در آن جا گردآیند آنگاه پس از پایان یافتن کنگره به اطراف جهان پخش شوند وحامل پیام کنگره گردند اثر این کنگره عظیم هر چه باشد، اجتماع در این موقف و سپس تفرق در بلاد همان اثر را دارد<sup>۱</sup>.

ب: دکتر قرضاوی نویسنده معاصر در کتاب «العبادة فی الاسلام» می نویسد:

بزرگترین نتیجه‌ای را که می توان از این اجتماع گرفت اینست که حج مهمترین عامل برای بیدار کردن امت اسلامی از خواب دیرینه

(۱) دائرة المعارف القرن العشرين ماده «حج».

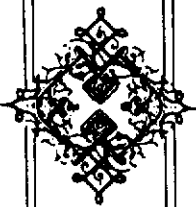
است و بهمین جهت برخی از حکومت‌های دست‌نشانده و یا اشغالگر بلاد اسلامی مانع از آن هستند که مسلمانان به زیارت خانه خدا بیایند زیرا میدانید که اگر حرکتی در میان مسلمانان پا بگیرد بهیچ عاملی نمیتوان آنرا از حرکت بازداشت .

وی در کتاب «الدین والحج علی المذاهب الاربعة» ص ۵۱ باز می‌نویسد: حج وسیله آشنائی مسلمانان با یکدیگر و مایه پدید آمدن علاقه و پیوند میان جنسیت‌های مختلف است که زیر پرچم توحید زندگی میکنند زیرا در این مراسم قلوب آنها یکی شده و سخنشان متحد گشته آنگاه برای اصلاح وضع خود و راست کردن کجی‌های جامعه خود، قیام می‌کنند.

ج: دکتر «محمد مبارک» مستشار در دانشگاه «الملک عبدالعزیز» چنین مینویسد: حج یک کنگره جهانی است که همه مسلمانان در سطح واحدی برای پرستش خدا گرد می‌آیند ولی این عبادت خالصانه جدا از زندگی آنان نیست بلکه پیوند خاصی با زندگی آنان دارد. قرآن در این مورد می‌فرماید: «لیشهدوا منافع لهم و یذکروا اسم الله فی ایام معلومات» مقصود از این مشاهده منافع و درک سودها چیزی جز یک معنای عام که همه جنبه‌های مصالح مسلمین را در بر دارد، نیست.

### نتیجه‌گیری

اگر برآستی فریضه حج دارای چنین موقف و موقعیتی است که کتاب و سنت و سیره مسلمانان گذشته و افکار نویسندگان معاصر ما را به آن رهبری می‌کنند چرا باید در بهره‌گیری از آن کوتاهی بورزیم.



اگر حج وسیله تألیف قلوب و توحید کلمه و ایجاد خط واحد برای مسلمانان است چرا نباید از این طریق قدرتهای اسلامی و نیروی فزاینده مسلمین را علیه متجاوزان بر بلاد اسلامی مانند فلسطین اشغالی و افغانستان اشغالی بسیج کنیم اگر حج بُعد اقتصادی و فرهنگی و علمی دارد، چرا در موسم حج مسلمانان در بهبود تنگناهای اقتصادی و اوضاع نابسامان خود چاره جوئی نکنند و سامان نبخشند؟.

چرا نباید برای ستمدیدگان فلسطینی و عراق و افغانستان و آفریقا و لبنان و اریتره مجال داده شود تا فریاد خونین خود را به سمع مسلمانان برسانند و مسلمانان را برای دفاع از حقوق حقه خویش به کمک بطلبند؟.

چرا در موسم حج اجتماعات و کنگره‌های بزرگ و گسترده‌ای بر ضد استعمار شرق و غرب و برنامه‌های جهتمی آنان بر پا نشود تا مسلمانان با افکار بیدار و برنامه واحدی به کشورهای خود بازگردند و فکر و اندیشه منسجمی بر همه جوامع حکومت کند؟

تا کی ما باید این فرصتهای طلایی را از دست بدهیم و این خسارتها را متحمل بشویم؟

بامید روزی که دست اجانب که پشت پرده کار میکند از حرمین شریفین کوتاه گردد و شاهد الهی و معالم اسلامی بوسیله یک جمعیت منتخب از جامعه اسلامی اداره گردد، و اهداف حج و آثار سازنده‌ای از هر نظر تحقق پیدا کند.

